



امیرحسین جودری
گروه فرهنگ و هنر

وقتی به فیلم‌های مناسبی در سینمای جهان، به‌خصوص هالیوود، نگاهی می‌اندازیم، متوجه می‌شویم که این فیلم‌ها هر ساله بازاری میلیارد دلاری را به خود اختصاص می‌دهند. این آثار که می‌توان آنها را تحت عنوان سینمای مناسبی دسته‌بندی کرد، شامل مجموعه فیلم‌هایی است که به‌مناسبت روزهای خاص در تقویم میلادی، سیلی از آنها در ژانرهای مختلف روانه بازار می‌شوند. ازجمله مهم‌ترین این مناسبت‌ها در سینمای جهان که بیشتر در فرهنگ مسیحیت دیده می‌شود، کریسمس (سالروز میلاد مسیح)، جشن هالووین و عید پاک است. با این حال در شرایطی که بسیاری از افراد از وضعیت سینمای امروز ایران شاکی هستند و این سینما به‌سوی تکزائری شدن در حال حرکت است، تاکنون اهمیتی به این نوع سینما که می‌تواند نجات‌دهنده آن باشد، داده نشده است.

که به دفعات در نقش برجسته‌های هخامنشی دیده می‌شود. پژوهشگران، گرچه برای تولدمهررویای گوناگون گفته‌اند اما در یک چیز هم عقیده‌اند؛ این‌که مهر در نخستین شب زمستان به دنیا آمد. همان شبی که آن راشب یلدا می‌نامیم.

اسطوره‌های فراموش شده شب یلدا

امادریاره یلدا، اسطوره‌هایی وجود دارد که کمتر به آنها پرداخته شده است. این اسطوره‌ها که در پس‌زمین نام‌شان فراموش شده، امروز کمتر از آنها یاد می‌شود، اما علت بسیاری از رسوم یلدایی هستند. مثلاً ریشوین را ایزد گرمای نیمروز و فرمانروای ماه‌های تابستان می‌خوانند. او همکار و همراه‌تر بیشتر، ایزد باران و ایزدان پیشازرتشتی است که در شمار نمایندگان طبیعت جای می‌گیرد. نام ایزد ریشوین از اسم مونت «rapiwa» در اوستا می‌آید که مفهوم آن گاه نیمروز، گرمای نیمروز و مینو یا ایزد موکل بر نیمروز است.

در متون اساطیری ایرانی آمده است که خورشید پیش از ورود شر، هنگامی که بی‌حرکت در بالای جهان ایستاده بود، در جایگاه ریشوین قرار داشت. این‌گونه است که نوروز، جشن پیروزی بر شر، که مراسمی خورشیدی به شمار می‌رود، جشنی برای ریشوین است. او در همه فصل‌های سال فعال است، اما معمولاً در شب یلدا که دیو زمستان به جهان هجوم می‌آورد، ریشوین زیر زمین پناه می‌گیرد و آب‌های زیرزمینی را گرم می‌دارد تا گیاهان و درختان نمرند. مراسم یلدا و دور هم جمع‌شدن در آن، مراسمی برای بدرقه ریشوین است؛ آغاز زمستان و جشن‌گرفتن با خوراک‌های خشک که توشه سرما هستند و در دوران زرتشتی به میزد مشهور شده‌اند، بازمانده از رسوم کهنسال تقدیس این ایزد به شمار می‌روند.

برخی پژوهشگران معتقدند این رسم از نام سربانی آن به معنی میلاد قدیمی‌تر است و در آن ادغام شده و شکل دیگری گرفته است، همان‌طور که خود یلدا در طول زمان‌های طولانی به روش‌های مختلفی برگزار شده است. مراسم ریشوین در اول فروردین را می‌توان جشن بزرگداشت هفتمین آفرینش، یعنی جشن پیدایش آتش نامید که با وجه اسطوره‌ای او یعنی گرما هماهنگ و هم‌معنی است و جشن بازگشت این ایزد به زمین است. ریشوین نشانه‌ای از یک جامعه کشاورزی است و با ایزدان گیاهی مثل تموز یا دوموزی در میان‌رودان و پرسفون و آدنئس در یونان و اوزبیس در مصر پیوند دارد. این گروه از ایزدان در زمستان به زیرزمین می‌روند و در آغاز بهار به روی زمین باز می‌گردند و با بازگشت خود به طبیعت جانی دوباره می‌بخشند. آنها با بازایی گیاه ارتباطی تنگاتنگ دارند و شادمانی برآمده از بازگشت آنها به شادمانی‌های جشن‌های آغاز سال پیوندی می‌خورد.

دی؛ ماه بی‌نام و رمز آلود

ژاله آموزگار، پژوهشگر و نویسنده، در مقاله‌ای با عنوان «گاه‌شماری در ایران باستان» دی‌ماه را بی‌نام می‌داند. «ماه دهم سال که برابر ماه دی است، در فارسی باستان Anamaka نامیده می‌شود و نام بابلی این ماه Tebetu است. مفهوم نام این ماه می‌تواند ماه بی‌نام باشد.» پیشوند «ا» برای نفی نام آمده و این‌گونه این ماه را بدون نام رها کرده است. آموزگار می‌افزاید: «این معنی بحث‌هایی را پیش آورده است. شاید بتوان در آن نشانه‌ای از فرهنگی بسیار کهن دید؛ دورانی

توافق‌نامه همکاری میان کتابخانه دولتی روسیه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه، توسط وادیم دودا و غلامرضا امیرخانی به‌امضا رسید. در این برنامه، طرفین پس از امضای توافق‌نامه، ضمن تأکید بر لزوم گسترش تعاملات دوجانبه، اجرای مفاد آن را در راستای تعمیق همکاری‌های دو کشور، از

جمله اقدامات اولویت‌دار خود در آینده بیان کردند. در این توافق‌نامه که با هدف ارتقای درک متقابل و توسعه تبادلات و ایجاد زمینه برای همکاری‌های مورد علاقه متقابل، مطابق با مسئولیت‌های عملکردی و با رعایت قوانین ملی در بازه زمانی ۵ ساله به امضا رسید، همکاری در اجرای برنامه‌های فرهنگی مد نظر قرار گرفته است. تحقیق و توسعه و به اشتراک‌گذاری تجربیات در زمینه

فهرست نویسی، دیجیتالی سازی، روابط بین کتابخانه‌ای، همکاری در برنامه‌ریزی فعالیت‌های مشترک مانند تبادل فهرست منابع، نسخه دیجیتال اسناد و نسخ خطی، برگزاری رویدادهای علمی-مشترک و نمایشگاه‌های مشترک و همکاری در زمینه علمی و پژوهشی پیرامون موضوعات مرتبط و انتشار مشترک مقالات پژوهشی، مطالب آموزشی و نتایج تحقیقات، از جمله این برنامه‌هاست.



سینمای ایران جامان

به بهانه رسیدن شب یلدا، وضعیت سینمای مناسبی

شخصیت اصلی فیلم با نشاط و دورهمی مربوط به این شب است که استعاره زیبایی از این شب را در ذهن مخاطب زنده کرده و یک انتظار طولانی دراماتیک را تجسم می‌بخشد.

تلاقی سینما و یلدا

در سال ۱۳۹۷، مسعود بخشی، فیلم یلدا را جلوی دوربین می‌برد. این فیلم، بیش از دو فیلم دیگر، به موضوع شب یلداگه می‌خورد، اما باز هم اثراتی از رسوم این شب و آئین کهن ایرانی به چشم نمی‌خورد. همان‌گونه که مشاهده شد، تمام داشته یلدایی سینمای ایران، این سه فیلم است که این آثار نیز اشاره مستقیمی به آئین کهن ایرانیان نداشته یا صرفاً داستان آنها در این شب به وقوع پیوسته است یا بیانی استعاری از یک سیاهی طولانی در زندگی قهرمان داستان دارند. یلدا، مهجورترین رسم آیینی کشور در حوزه سینماست که در کنار تمام جذابیت‌ها و مقبولیت‌گسترده‌ای که دارد، نتوانسته به سوزه‌ای وسوسه‌انگیز برای فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان ماتبدیل شود.

چهارشنبه‌سوری و ایران فرهنگی

چهارشنبه‌سوری نیز یکی از آن مناسبت‌های مهم است که در حوزه فرهنگی ایرانی بعد از نوروز قرار دارد و در کشورهای مختلفی چون جمهوری آذربایجان، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنه و سایر نقاط جهان به واسطه حضور ایرانیان برگزار می‌شود. چهارشنبه‌سوری در عین استقلالی که دارد، می‌توان یکی از جشن‌هایی دانست که به منظور استقبال از نوروز انجام می‌شود. همچنین درباره‌ی پیشینه چهارشنبه‌سوری نعل‌های بسیاری وجود دارد و برخی پیدایش آن را در فرهنگ ایران باستان می‌جویند.

به گفته‌ی ابراهیم پورداوود، ایران‌شناس و نخستین‌واستاشناس ایرانی، با توجه به نقش پررنگ آتش در فرهنگ ایران باستان، شاید جشن گرفتن چنین مناسبت‌هایی مربوط به جشن‌های شش‌روزه پایان سال (گاهنبار هستمتمد) باشد که پس از اصلاح تقویم در زمان اردشیر نخست ساسانی برگزار می‌شدند. براساس باور زرتشتیان، در این گاهنبار، فروهرها و روان درگذشتگان بر زمین نازل می‌شوند. احتمال دیگر این است که چهارشنبه‌سوری بازمانده و شکل تحول‌یافته‌ای از جشن‌سده

سینمای ایران در تاریخ ۱۲۲ ساله خود، هنوز به شکلی مستقیم به آئین باستانی یلدا نپرداخته و هر آنچه که در این حوزه دارد، تنها بهانه‌ای بوده برای پرداختن به درازای سال و سیاهی بیشتری که استعاره‌ای از زندگی قهرمان داستان و شرایط اوست.

این فقدان در شرایطی رقم خورده که سینمای ایران در برابر دیگر آئین‌های باستانی، چنین انفعالی از خود نشان نداده و در مواردی متعدد به آئین‌هایی چون نوروز، چهارشنبه‌سوری، نذری‌یزان و... پرداخته است. نخستین فیلمی که با عنوان یلدا در سینمای ایران ساخته شد به سال ۱۳۴۹ بازمی‌گردد که ساموئل خاچیکیان اثری تحت عنوان «قصه شب یلدا» را جلوی دوربین می‌برد. فیلمی که البته هیچ اشاره مستقیمی به موضوع شب یلدا ندارد و داستان برهه‌ای از زندگی دختری به نام یلدا را روایت می‌کند. داستان این فیلم درباره مرد جوانی است که دختر دلخواش را پیدا می‌کند، اما بر سر راه ازدواج آنها، مشکلاتی وجود دارد که به خودکشی دختر منجر می‌شود. جوان به‌موقع دختر رانجات می‌دهد و آن دو پس از یک سلسله ماجرا، سرانجام با هم ازدواج می‌کنند.

نماد یلدا در سینما

اما یلدا را در سینمای ایران با فیلم کیومرث پوراحمد می‌شناسند. فیلمی که در سال ۸۰ ساخته شد و با محوریت یک بازیگر (محمد رضا فروتن) و فضایی محدود، توانست به یکی از آثار ماندگار تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. البته که در این فیلم پوراحمد، هیچ اشاره صحنی به مراسم و آداب شب یلدا نمی‌شود، اما داستانی را روایت می‌کند که در یک شب طولانی رقم می‌خورد و در نهایت به برف و سپیدی صبح می‌انجامد. این فیلم داستان پدری است که همسر و دختر خردسالش را برای جست‌وجوی زندگی بهتر، برای دریافت اقامت، به خارج از کشور می‌فرستد. اما همسرش با خیانت به او برای پناهندگی اقدام می‌کند و این مرد که با بحران بزرگی در زندگی‌اش روبه‌رو شده، در شب یلدایی خودساخته فرو می‌رود تا این‌که با ورود زنی تازه به زندگی‌اش، این شب برای او به پایان می‌رسد. البته که ذکاوت پوراحمد در این فیلم، تقابل تنهایی

که ماه زمستان چون با هیچ فعالیت انسانی تطابق نداشت، بی‌نام بود. برخی تصور می‌کنند که در این نام اشاره به ایزدی اسرارآمیز نهفته است. همچنین در مورد اطلاق آن به‌اهوره‌مزدا یا میتره نظریات تردیدآمیزی را اظهار کرده‌اند. این نام در سانسکریت برای نامیدن ماه اضافی به کار می‌رود.» در فرهنگ هندی و سانسکریت، نام «دی» یا «دئوه» یا «دوا» (Deva) به معنی خدا و یکی از القاب شیواست و در کنار عبارت «مها» به معنی بزرگ، «مهادوا» را می‌سازد که خدای بزرگ معنی می‌دهد. «نام دی در گاه‌شماری زردشتی از واژه‌اوستایی daovah می‌آید که صفت دادار اهوره‌مزدا دانسته شده» اما لفظ دی به دیو منسوب است که در ایران در زمره اسطوره‌های منفی در نظر گرفته می‌شود. بنا بر گاه‌شماری زرتشتی، «ماه دهم یا ماه دی از day به معنی آفریدن، صفت اهوره‌مزداست. این ماه که سخت‌ترین ماه سال به شمار می‌آمد، برای تبرک باید لقب اهوره‌مزدا داشته باشد تا مردمان در برابر دیو سرما نیرومندتر و مقاوم‌تر از همیشه باشند و به عبارت دیگر قداست نام خدا، از آفات جلوگیری کند.»

از نظر جغرافیای تاریخی که با اسطوره پیوند دارد، «احتمال می‌دهند که در دورانی، سال با این ماه شروع می‌شد، زیرا در پایان ماه آذر و آغاز ماه دی، شب درازترین زمان خود را می‌گذراند و بعد، از فردا خورشید نیرو می‌گیرد و رشد می‌کند و از دیدگاه اسطوره‌ای با شروع دی، میترا بر اهریمن غلبه می‌کند.» برخی پژوهشگران، ماه دی را به دیو سرما منسوب کرده‌اند، اما منطقی به‌نظر نمی‌رسد که یکی از ماه‌های سال که همه به نام امشاسپندان و نام‌های مقدس هستند، به‌نام یک دیو باشد. این پژوهش می‌گوید: آذر (آتش)، ایزد مینوی و نگهدار آتش مقدس در آتشکده‌هاست. در مقابل، دی که آغاز زمستان است، پلید و اهریمنی محسوب می‌شود. دی در اصل همان دیو است که نام آن بر سردترین ماه زمستان گذاشته شده است. بنابراین آذر نماد اهوره‌مزدا و دی نماد اهریمن است. تقابل میان آتش، نور و تقدس با تاریکی و سرما و پلیدی. اما آنچه درباره اسطوره شب یلدا معروف است، تولد میترا یا مهر در شب یلداست؛ مشهورترین روایتی که از این شب گفته شده و در ارتباط این شب با میلاد مسیح و هم‌زمانی آن با دیگر ادیان بسیار سخن گفته شده است. اما آنچه کمتر به چشم آمده، این دوروایت از دی و ریشوین است که در همه‌زمستان ادامه پیدا می‌کند.

شب یلدا در سینما

سینمای ایران اشتیاق بسیاری برای ورود به رسوم آیینی کهن دارد، اما شب یلدا مهجورترین رسمی است که سینما نتوانسته در برابر عظمت و محبوبیت آن، ادای دین شایسته‌ای به عمل بیاورد. سینما در کنار پرداخت‌های متنوعی که به رسم‌های آیینی دارد، اما رزومه چندان پرباری در حوزه شب یلدا ندارد. این‌مهجوریت به‌اندازه‌ای است که



ضرورت توجه به فرهنگ و تاریخ در سینما

خلاصه این‌که، با بررسی فیلم‌های مناسبی و مقایسه آنها با رویدادهایی که در تاریخ و فرهنگ ایران زمین وجود دارد، این حقیقت روشن می‌شود که سینمای ایران هیچ توجهی به فیلم‌های مناسبی ندارد و به عبارت دیگر سینمای مناسبی در ایران وجود ندارد. در صورتی که این رویدادها و مناسبت‌ها می‌توانند چنان ظرفیت عظیمی در اختیار سینماگران ایرانی قرار دهد که نه تنها سینما امروز ایران را نجات دهند، بلکه بازارهای منطقه‌ای را نیز فتح کنند. حقیقتی که خیلی‌ها نمی‌خواهند آن را قبول کنند این است که سینمای ایران، حتی امروزه که از روزهای اوج خود فاصله گرفته، باز در سطح منطقه و جهان جزو سینماهای شاخص به حساب می‌آید و با توجه به خلأ فرهنگی که در سینمای ایران و منطقه وجود دارد، سینمای مناسبی می‌تواند بازاری چندصد میلیون نفری با بهره‌وری بسیار بالا در اختیار تولیدکنندگان سینمایی قرار دهد. البته که در این مسیر همکاری نهادها و سازمان‌های مختلف خصوصی و دولتی ضروری‌ترین بخش کار است و امید می‌رود تا دولت و بخش خصوصی به اهمیت این نوع از سینمایی بپردازند و شاهد شکوفایی شدن فرهنگ اصیل ایرانی بر پرده نقره‌ای باشیم.

صحنه

اجرای نمایشی دیگر از «سوءتفاهم»

«سوءتفاهم» نوشته «آلبر کامو» تازه‌ترین نمایشی است که حسین کشفی اصل در مقام دراماتورژ، طراح و کارگردان از دوم دی‌ماه سال جاری در بوتیک تئاتر ایران روی صحنه می‌برد. کشفی اصل درباره این نمایش گفت: خیلی‌ها تا امروز «سوءتفاهم» را کار کرده‌اند. خودم هم چند اجرای صحنه‌ای و یک تله‌تئاتر از آن دیده‌ام، ولی من همیشه در کارگردانی، ایده‌های اجرایی خودم را دارم، یعنی ایده‌ها و نگاهم را به متن اضافه می‌کنم. من اغلب عین آنچه را در متن وجود دارد، روی صحنه نمی‌آورم، چون آن شکل را همه کار کرده‌اند. بنابراین سعی می‌کنم ایده اجرایی خودم را وارد متن بکنم، البته تا جایی که جانب احتیاط را رعایت کرده باشم و به قلب اثر لطمه‌ای نخورد. در واقع تلاشم این است که من هم چیزی به متن اضافه بکنم تا جان بیش‌تر و بهتری به آن بدهم. بازیگران نمایش «سوءتفاهم» را (به‌ترتیب ورود به صحنه) مهتاب باجلان، کیمیا جوهری، طاهّا احمدی، محمد نیازی و آنایید ادبی تشکیل می‌دهند.



محفل شعرخوانی به مناسبت شب یلدا

محفل شعرخوانی انتشارات امیرکبیر به مناسبت شب یلدا، امشب با حضور غلامرضا طریقی شاعر غزل‌سرای معاصر برگزار می‌شود.

در این شب شعر و غزل، غلامرضا طریقی، حافظ خوانی می‌کند و با تفاعل به حافظ به استقبال روشن‌ترین لحظه‌های زمستان می‌رود. این برنامه از ساعت ۱۷ در محل انتشارات امیرکبیر به‌نشانی خیابان انقلاب، بعد از خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۳۴۶ برگزار می‌شود.



جنسواره

داوران مسابقه ملی «همواره تهران» معرفی شدند

بهمن عبدی، بهرام عظیمی و محمدعلی خلجی به‌عنوان داوران مسابقه هنری کارتون «همواره تهران» که قرار است با هدف بهره‌گیری از نگاه خلاقانه هنرمندان در شناسایی و حل مسائل شهری و در

راستای احترام به حقوق شهروندی و ارتقای کیفیت در زندگی شهری برگزار شود، معرفی شدند. بهمن عبدی، کاریکاتورست، گرافیسیت و پویانمای ایرانی است؛ برپایی چندین نمایشگاه شخصی و گروهی در داخل و خارج از کشور، کسب جوایز و عناوین متعدد از رویداد‌های هنری ملی و بین‌المللی و برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی کارتون و کاریکاتور از جمله فعالیت‌های هنری وی محسوب می‌شود. بهرام عظیمی، کارگردان انیمیشن، فیلمنامه‌نویس، طراح کاراکتر و کاریکاتوریست است. تدریس و آموزش طراحی کاریکاتور، کاراکتر و کارتون از سال ۱۳۷۶ تاکنون و مدیریت خانه انیمیشن شهرداری تهران به مدت سه سال از فعالیت‌های هنری او محسوب می‌شود.

